

قانون‌گرایی پلیس در دستگیری و بازداشت با رویکردی به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

علی آجودانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۸

چکیده

پلیس به‌عنوان یکی از دستگاه‌های موثر در چرخه کیفری و از عوامل برخورد با متهمان و مجرمان می‌باشد. گاهی این رویارویی اجتناب‌ناپذیر، منجر به دستگیری یا با قصد بازداشت افراد انجام می‌شود. از طرفی در اکثر قوانین اساسی کشورها و اصول شناخته شده حقوقی احترام به آزادی افراد و منع از دستگیری و بازداشت افراد بدون ترتیبات قانونی مورد تأکید واقع شده است. حال با توجه به مطالب اشاره شده، باید دید پلیس در قوانین ایران که با عنوان ضابط عام شناخته شده و مقنن و متعاقب آن دستگاه قضایی اختیار دستگیری و یا مجوز بازداشت را به مامورین این دستگاه داده است. باید چه قواعد و اصولی را رعایت نمایند تا ضمن انجام وظیفه، قانون را به نحو احسن رعایت و باعث قانون‌گرا شدن رفتار حرفه‌ای خود در اذهان عوام جامعه و خواص شوند، در این تحقیق که تلفیقی از تجربیات و مطالعات کتابخانه‌ای است به این موضوع پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: قانون‌گرایی، پلیس، دستگیری، توقیف.

^۱ دانشجوی کارشناسی حقوق، پرسنل فرماندهی انتظامی استان سمنان - دفتر تحقیقات کاربردی.

مقدمه

از روزی که انسان در محیطی به عنوان جامعه قرار گرفت با قانون آن جامعه آشنا و خود را موظف به اجرای آن دید. قانون‌گذاران در ابتدا تشکیل جوامع بیشتر به قوانینی می‌پرداختند که موجب استقرار نظم اجتماعی و دوام حکومت‌ها گردد، اما در روزگار کنونی ضمن قوانین مذکور سعی می‌شود حقوق افراد جامعه نیز در قبال قانون‌گریزی مأمورین حکومت یا سایر افراد تضمین گردد. قانون‌گذار ایران علی‌الخصوص در قوانین پس از انقلاب اسلامی این مسئله را مدنظر قرار داده است. یکی از این حقوق منع دستگیری و بازداشت بی دلیل افراد است که چه در قانون اساسی^۱ و چه قوانین عادی^۲ به آنها اشاره شده است و با احصاء موارد قانونی در رابطه با این امر اختیارات مقامات دولتی اعم از قضایی و ضابطین آنها را تحدید نموده است. در این راستا پلیس به عنوان بازوی قوی اجرای عدالت در کنار سایر وظایف خود این امر مهم را به عهده دارد. پلیس به عنوان ضابط عام در قوانین شناخته شده است و در دو رابطه می‌توانند اقدام به دستگیری افراد در راستای قانون نمایند: اولین طریق دستگیری با اجازه قانون، یعنی دستگیری در جرایم مشهود است و دومین مورد اذن مقام قضایی در بازداشت افراد است که موجب دستور صریح کتبی یا به موجب حکم جلب است. در هر دو مورد مأمورین محترم پلیس باید آموزش‌های لازم را در زمینه قانون‌گرایی رفتاری دیده و اصول آن را سرلوحه کار خود قرار دهند؛ تا با مشکلات احتمالی خواسته یا ناخواسته که در اثر قانون‌گریزی در این حوزه رخ می‌دهد، مصون باشند.

^۱ اصل سی و دوم: هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

^۲ در این رابطه می‌توان به عنوان شاخص به دستور حضرت امام خمینی و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و رعایت حقوق شهروندی اشاره نمود.

بیان مسئله

مطابق قانون نه تنها محکومیت‌ها باید بر طبق ترتیبات قانونی و اصول و موازین قضایی باشد. بلکه کشف، تعقیب جرایم دستگیری مجرمین و تحقیق و رسیدگی به اتهامات آن‌ها نیز می‌بایست مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی و بر مبنای ارتباط و تعامل صحیح و منطقی اجزا و عناصر فرآیند کیفری صورت گیرد و از اعمال هر گونه سلیقه شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هر گونه خشونت و یا بازداشت‌های غیر قانونی اجتناب شود. ضابطین قضایی به عنوان بازوی اجرایی نظام قضایی نقش مهم و قابل توجهی در دستیابی به عدالت کیفری و نزدیک شدن هر چه بیشتر به نظام کیفری مطلوب و کارآمد دارند. بر مبنای همین واقعیت است که سیستم‌های کیفری مختلف تلاش‌های گسترده‌ای جهت نظام مندی و کنترل قانونی همراه با اقتدار آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین به تعیین جایگاه مصادیق و حدود اختیارات ضابطان دادگستری پرداخته است.

«ضابطین دادگستری» به دلیل وظایف حساسی که بر عهده آنان گذاشته شده است، از اهمیت خاصی برخوردار هستند و به همین دلیل، قانون‌گذار طی مباحث اولیه قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، به موضوع ضابطین و وظایف آنان پرداخته است.

آنچه مسلم است، اولین برخورد مقامات قانونی با جرایم ارتكابی، توسط ضابطین صورت می‌پذیرد و به عقیده متخصصان علوم جرم‌یابی، چنانچه این برخورد اولیه، همراه با دقت، هوشیاری، نکته‌سنجی و ارتباط منظم وقایع نباشد، سنگ بنای اولیه پرونده کیفری، کج نهاده خواهد شد و قاضی نیز که مدارک مکتوب در پرونده، بیشترین ادله او برای تصمیم‌گیری است، به سبب سستی دلایل و مدارک جمع‌آوری شده، از صدور رأی متناسب عاجز مانده و در این رهگذر، اهداف مجازات که عبارت است از تنبیه مقصر، ارعاب سایرین، تشفی خاطر مجنی علیه و سایر امور، حاصل نمی‌شود و نتیجه آن، تجرّی مجرمین و یأس و دلسردی مردم نسبت به دستگاه‌های انتظامی و قضایی خواهد بود که اثر مستقیمی بر افکار مردم نسبت به حکومت خواهد داشت (مه‌بادی، ۱۳۸۹).

به اعتبار ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۸۷ (ق. آ. د. ع. ا. ک)^۱ نیروی انتظامی ضابط عام دادگستری است. ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم، بازجویی مقدماتی، حفظ آثار و دلایل جرم، جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی اقدام می‌نمایند. دستورات قضایی مقامات دادسرا خطاب به ضابطین زمینه‌ساز اجرای وظایفی است که آن‌ها در فرایند دادرسی کیفری بر عهده دارند. برای انجام بهینه و مطلوب این وظایف راهکارهای زیر وجود دارد.

- ۱- چه کسانی بر اساس قانون حق دستگیری و بازداشت را دارند؟
- ۲- چه افرادی قابل دستگیری یا بازداشت هستند؟
- ۳- پلیس به عنوان بازوی قابل اعتماد دستگاه عدالت کیفری، مشروعیت عمل خود را در رابطه با دستگیری و بازداشت از چه طریقی کسب می‌نماید؟
- ۴- پلیس چه اصول و قواعدی را در راستای قانون‌گرایی رفتار خود در این زمینه باید انجام دهد؟
- ۵- ضمانت اجرای عدم رعایت قانون توسط پلیس چیست؟

^۱ ماده ۱۵ ق.آ.د.ع.ا.ک: «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند و عبارتند از:

- ۱- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
 - ۲- رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان
 - ۳- مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.
 - ۴- سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند.
 - ۵- مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.
- تبصره- گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشند.»

مفهوم شناسی تحقیق

تعریف و مصادیق ضابط

ضابط در لغت به معنای فراهم آورنده، نگاهدارنده، نگاهدارنده چیزی، آنکه ضبط مدینه و سیاست آن را از طریق سلطان بس باشد (دهخدا، ۱۳۳۷: ۲). ضابطین دادگستری بازویی اجرایی دادسراها و دادگاه‌ها در انجام وظایفشان هستند. قانون آئین دادرسی کیفری ضابطین دادگستری را این طور تعریف کرده است که: «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضائی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می‌نمایند»^۱.

ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضائی در کشف جرم و بازجویی آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی به موجب قانون اقدام می‌نمایند.

الف) ضابطان قضایی؛

ب) ضابطان غیر قضایی.

دسته دیگر ضابطان غیر قضایی‌اند که در واقع مأمورینی هستند که فاقد ابلاغ و پایه قضایی می‌باشند و وابسته به نیروهای نظامی و انتظامی و اداری کشور به سبب نوع و وظیفه و مسئولیتی که دارند در حدود مقررات قانونی انجام وظیفه می‌نمایند. که خود به دو دسته تقسیم می‌گردند:

ضابطین عام؛

ضابطین خاص.

«ضابطین عام»: ضابطین عام کسانی‌اند که صلاحیت اقدام دربارهٔ کلیه جرمها را دارند مگر آنچه را که قانون منع نموده است. ولی ضابطین خاص عکس این دسته می‌باشند. روسا و معاونین زندان نسبت به امور زندانیان.

^۱ ماده ۱۸ لایحه قانون آیین دادرسی کیفری [۱۳۶۳] و ماده ۱۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری [۱۳۷۸].

مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران. سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف نیروی انتظامی را به آنان محول کند.

«ضابطین خاص»: مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.

در ق. آ.د.ک ۱۲۹۰ ضابطین خاص بر شمرده نشده بودند و برای شناخت آنها باید به قوانین خاص مراجعه می‌شد. در ق. آ.د.ک ۱۳۷۸، ماده ۱۵ سه دسته از ضابطین خاص را در بندهای ۲، ۳ و ۴ خود نام برده و در بند ۵ به قوانین خاصی که برخی مقامات و مأموران را در حدود وظایف خود را ضابط دادگستری شناخته، اشاره کرده است که انواع ضابطین خاص عبارت است از: رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان. مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران.

بر طبق ماده ۱ قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۱ و نظریه شماره ۷/۷۹۷۹-۱۳۸۰/۸/۲۱، اداره حقوقی قوه قضائیه به نیروی مقاومت بسیج تنها در صورتی اجازه داده است که به عنوان ضابطین قوه قضائیه عمل نماید که اولاً جرم از جرائم مشهود باشد و ضابطین دیگر دادگستری حضور نداشته باشند، ثانیاً ضابطین دیگر به موقع اقدام ننمایند و یا به منظور جلوگیری از امحاء آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش ضابطین دیگر به نیروی مقاومت بسیج نیاز داشته باشند و همچنین تبصره یک ماده یک آئین نامه اجرائی قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۲/۳/۳۰ فرمانده کل قوا، شرایطی برای ضابطان مزبور پیشبینی کرده است (محمدی رزینی، ۱۳۹۰):

الف- گذراندن دوره‌ی آموزش لازم به تشخیص رده ذی‌ربط بسیج،

ب- دارا بودن سلامت جسمی در حد اجرای مأموریت‌های محوله و دارا بودن سلامت روانی،

ج- مجوز مخصوص (زراعت و مهاجری، ۱۳۸۵: ۱۰۶).

- نیروهای مسلح با تصویب شورای عالی امنیت ملی.
- عبارت نیروهای مسلح در این بند به موجب ماده ۴ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران؛ مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸ شامل ارتش، سپاه پاسداران، بسیج مستضعفان، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح می‌باشند.
- د. مقامات و مأمورین به موجب قوانین خاص در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند که ذیل به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود.
۱. مأموران وصول عایدات و کشف، قاچاق [ماده ۱۸ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲].
 ۲. فرمانده هواپیما نسبت به جرائم ارتكابی درون هواپیما [م ۳۲ قانون هواپیمائی کشوری مصوب ۱۳۲۸].
 ۳. مأموران جنگل‌بانی [ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۳۴۶].
 ۴. مأموران شکاربانی [ماده ۱۹ قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶/۳/۱۶].
 ۵. مأموران سازمان بنادر و کشتیرانی [ماده ۱۲ قانون حفاظت دریا و رود خانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴].
 ۶. مأموران شهرداری [ماده ۱۹ قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹].
 ۷. مأموران سازمان آب و برق. [تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون سازمان آب و برق مصوب ۱۳۴۶].
 ۸. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی [تبصره ماده ۵ اساسنامه سپاه پاسداران و ماده ۱۱ لایحه قانون تشکیل دادگاه‌های فوق العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب مصوب ۱۳۵۸/۴/۱۳].
 ۹. بازرسان مخصوص وزارت بهداری [ماده ۲۰ قانون اصلاح منع کشت خشخاش مصوب ۱۳۳۸].
 ۱۰. بخشداران که در گذشته از آنها به عنوان «نایب الحکومه» تعبیر می‌شده است فقط در صورت اعطای سمت ضابطی از سوی قوه قضائیه واجد اختیارات و تکالیف ضابطان دادگستری هستند.
 ۱۱. مأموران گارد صنعت نفت [ماده ۷ قانون ایمنی راهها مصوب ۱۳۵۱].
 ۱۲. پلیس انتظامی راه آهن [ماده ۷ قانون ایمنی راه‌های مصوب ۱۳۴۹].
 ۱۳. مأموران سازمان حفاظت محیط زیست [ماده ۱۵ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۱۸].

۱۴. مأموران وزارت پست و تلفن و تلگراف [ماده ۱۵ قانون تأسیس شرکت مخابرات ایران مصوب ۱۳۵۰].

در قوانین لازم الاجرای، حاضر ضابطین عام همان افراد پرسنل نیروی انتظامی می‌باشند که در بند ۱ ماده ۱۵ ق.آ.د.ک آمده است البته به غیر از سربازان وظیفه مشغول خدمت در آن یگانها. و ضابطان خاص نیز در بندهای ۲ الی ۵ همان ماده احصاء گردیده‌اند که جناب دکتر آشوری اهم آنها را در بند ۱۶ بند بطور مجزا برشمرده‌اند. همچنین در دسته بندی که ایشان به عنوان ضابط نظامی نموده‌اند، آنها را مأمورانی دانسته‌اند که در مورد جرائم ارتكابی از سوی پرسنل نیروهای مسلح به عنوان ضابط نظامی عهده‌دار جمع‌آوری دلایل ارتكاب جرم، جلوگیری از فرار متهم، بازجویی‌ها و سایر اقدامات قانونی می‌باشند که عبارت‌اند از:

- مأموران دژبان ارتش و سپاه
- مأموران حفاظت و اطلاعات یگانها
- برخی مأموران وزارت اطلاعات
- پرسنل بازرسی یگانها
- افسران قضایی یگانها
- مأموران انتظامی
- بازپرسان و دادباران نظامی
- افراد مشمول بند ۴ ماده ۱۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸.

مفهوم متهم، مجرم، محکوم

به زبان ساده و کاربردی متهم فردی است که بر اساس قرائن و امارات موجود یا معرفی رسمی از سوی شاکی به عنوان معارض کیفری خود، در مظان ارتكاب یک رفتار مجرمانه قرار دارد اما هنوز جرم وی به واسطه نظر قضایی دادگاه صالح مورد تایید قرار نگرفته است حال اگر بزه انتسابی به وی از سوی دادگاه محرز و انتساب آن به متهم قطعی گردید نام مجرم بر فرد بار می‌شود. پس از سیر رسیدگی محکمه صالح و صدور حکم و تعیین مجازات، فردی که کیفر بر او بار می‌شود؛ محکوم علیه یا محکوم خوانده می‌شود.

ج) جرم مشهود و غیرمشهود

جرم مشهود در قانون آیین دادرسی کیفری تعریف نشده بلکه به مصادیق آن اشاره شده است از میان بندهای مذکور در مواد^۱ ۲۱ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۷۸ و ماده ۴۵ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ برخی جرم مشهود و بقیه در حکم جرم غیرمشهود است. پس در واقع جرم مشهود جرمی است که در مقابل چشم مأمورین انجام و ضابطین خود شاهد آن باشد و هرچه غیر موارد مذکور در قانون باشد غیر مشهود است.

^۱ ماده ۲۱ - جرم در موارد زیر مشهود محسوب می‌شود:

- ۱- جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده و یا بلافاصله مأمورین یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند.
 - ۲- در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند و یا مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید.
 - ۳- بلافاصله پس از وقوع جرم علائم و آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود.
 - ۴- در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود.
 - ۵- در مواردی که صاحبخانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مأمورین را به خانه خود تقاضا نماید.
 - ۶- وقتی که متهم ولگرد باشد.
- ماده ۴۵ - جرم در موارد زیر مشهود است
- الف- در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند
 - ب- بزه‌دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند
 - ج - بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد
 - د- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود
 - ه- جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند
 - و - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد
 - ز - متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد
- تبصره ۲- ولگرد کسی است که مسکن و مأوای مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معینی ندارد چ - متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد.

دستگیری متهمین در جرایم مشهود توسط پلیس

دستگیری و بازداشت افراد فقط باید براساس قانون یا حکم قضایی باشد و این مطلب در اصل ۳۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی از جمله ماده واحده حمایت از حقوق شهروندی ذکر گردیده است و آزادی افراد همواره مورد توجه بوده است که با تأسی از آیات قرآن است^۱ زیرا انسان فطرتاً آزاد است.

اقدام به دستگیری یا جلب اشخاص بر اساس مبانی قانون، باعث قانون‌گرا شدن اقدامات ضابطین می‌شود؛ زیرا ناجا بر حسب وظیفه خود خواه نا خواه بایستی نسبت به جلب و دستگیری اخلاص‌گرا در نظم و امنیت اقدام و این امر ناشی از اجازه قانون به مأمورین می‌باشد.

قانون‌گذار ایران همچون سایر کشورها در جرایم مشهود اختیارات ویژه و گسترده‌ای را برای ضابطین خود در نظر گرفته است. یکی از این اختیارات که بسیار در نوع خود مهم و اساسی می‌باشد، اختیار توقیف و دستگیری مرتکبین در جرایم مشهود می‌باشد. این حق ویژه به خاطر جلوگیری از فرار متهمین، تبانی یا به هم نخوردن صحنه جرم به ضابطین داده شده است. البته قانون‌گذار با بکار بردن عبارت «تمامی اقدامات لازم» رعایت دو اصل مهم ۱- ضرورت و ۲- تناسب را در اقدامات ضابطین لازم و ضروری دانسته است که معمولاً به علت عدم توجه به الفاظ و هدف قانون مورد اغفال و بی توجهی قرار می‌گیرد. پس ضابطین می‌توانند در جرایم مشهود با رعایت و در نظر گرفتن دو اصل فوق (ضرورت و تناسب) در راستای قانون متهمین را دستگیر و حداکثر تا بیست و چهار ساعت^۲ آنان را توقیف موقت نمایند. البته لازم به ذکر است همان‌گونه که قانون‌گذار به صراحت از واژه متهم استفاده کرده است این حق فقط در خصوص مرتکب یا مرتکبین دخیل در جرم مشهود که به صورت آنی واقع یا جرم مرتکب در لحظه

^۱ انا هدینا السبیل اما شاکرو و اما کفورا

^۲ ماده ۲۴ - ضابطین دادگستری نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح می‌رسانند، در صورتی که مرجع مذکور اقدامات انجام شده را کافی نیافت می‌تواند تکمیل آن را بخواهد، در این مورد ضابطین مکلفند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، لیکن نمی‌توانند متهم را در بازداشت نگهدارند و چنانچه در جرائم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت (۲۴) ساعت می‌توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی متهم تعیین تکلیف می‌نماید. همچنین تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرائم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد هرچند اجرای تحقیقات بطور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد.

تکمیل آن می‌باشد و ضابطین نمی‌توانند افراد دخیل در جرم غیر از مباشر را دستگیر نمایند. به عنوان مثال چنانچه ضابطین فرد قاتلی را در صحنه ارتکاب جرم دستگیر نمایند؛ هر چند فرد تحریک کننده شناسایی گردد قابل دستگیری بدون اجازه مقام قضایی از لحاظ قانونی ممکن نمی‌باشد.

ورود به اماکن خصوصی توسط ضابطین در جرایم مشهود

یکی از موارد چالش برانگیز و مطرح ورود به اماکن خصوصی برای دستگیری مرتکب در جرایم مشهود که به لحاظ عدم وضوح قانون همیشه مورد بحث و محل اختلاف بوده است. در این رابطه مطالب بسیار زیادی عنوان شده و اساتید متعدد قلم زده‌اند. اختلاف حاصل شده به علت تفاسیر مختلف از قانون از جمله قسمت اخیر ماده ۲۴ ق.آ.د.ک می‌باشد. قانون گذار در این ماده اشعار می‌دارد: «تفتیش منازل، اماکن، اشیاء و جلب اشخاص در جرایم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد» عده‌ای از حقوقدانان از این جمله این گونه برداشت می‌کنند که تفتیش منازل، اماکن، اشیاء و جلب اشخاص در جرایم مشهود نیاز به حکم قضایی ندارد و فقط در جرایم غیر مشهود اذن مقام قضایی لازم است. این موضوع آنقدر چالش برانگیز و پر اهمیت است که نظریات مشورتی متعدد اداره حقوقی در این زمینه صادر شده است که در ذیل به بخشی از این نظریات اشاره شده است.

نظریه شماره ۲۳۱۷ به تاریخ ۱۳۶۵/۴/۷

نظریه شماره ۷/۵۴۱۸ به تاریخ ۷۲/۸/۲۳

نظریه شماره ۷/۳۶۹۴ به تاریخ ۱۳۷۳/۷/۲۸

اما آخرین نظریه این اداره به صورت جامع تری به این موضوع پرداخته است که در ذیل به آن اشاره می‌گردد قابل توجه است که نظریات مشورتی برای همه و از جمله قضات جنبه ارشادی دارد و قابل استناد نمی‌باشد.

نظریه شماره ۷/۴۳۷ به تاریخ ۱۳۷۹/۲/۱۹ «بازرسی از منازل به منظور دسترسی به متهم در جرایم مشهود چنانچه با رعایت مقررات ماده ۹۶ و بعد قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ صورت می‌گیرد باید با اجازه صاحب خانه یا متصرف خانه صورت گیرد، مگر اینکه بیم فرار متهم وجود داشته بیاشد و ضابطان ناگزیر شوند برای جلوگیری از فرار متهم وارد منزل شوند که در آن مخفی است.»

این موضوع در کمیسیون‌های قضایی نیز مطرح شده که از جمله می‌توان به کمیسیون ذیل اشاره نمود:

«نظریه اقلیت کمیسیون مجموعه نشست های قضای این است که :

در جرایم مشهود هم نیاز به اجازه مقام قضایی است چرا که حرمت منزل واجب است و اگر در موقع تعقیب مجرم وارد منزل گردد ماموران باید منزل را تحت نظر داشته باشند و سپس می‌توانند وارد منزل شوند.

و نظریه اکثریت اعضا کمیسیون یعنی نظریه مصوب این است که اگر جرمی مشهود باشد با شرایط مذکور در ماده ۲۱ قانون دادرسی کیفری، اگر ماموران متهم را تعقیب کنند و در ادامه تعقیب مجرم وارد منزل شود بدون کسب اجازه از مقام قضایی می‌توانند وارد منزل شوند؛ چون ورود به منزل جزء لوازم تعقیب می‌باشد چرا که جرم اتفاق افتاده و در وقوع آن شکی نیست و مشهود هم هست لذا اگر وارد منزل نشوند متهم می‌گریزد و دلایل از بین می‌رود. بنابراین در این موقعیت نیاز به کسب اجازه از مقام قضایی نمی‌باشد. البته جرم باید محرز باشد و زمان ورود ماموران بلافاصله باشد.^۱»

با نگرش در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب سال ۱۳۹۲ نیز این معضل حل نشده و باقی مانده است هرچند در آن تغییراتی به وجود آمده است مقنن در این قانون در مواد ۲۸ الی ۶۳ به بحث ضابطین قضایی و حق والانصاف گام‌های بسیار موثری برداشته اما در خصوص ورود به منازل افراد در جرایم مشهود تبیین لازم صورت نگرفته است هرچند نگرش موضوع قانون اخیر الذکر اندکی متفاوت و دارای پیشرفت است.

تحت نظر قرار دادن متهمین، مجرمین و محکومین توسط پلیس

همانگونه که در مواد قانونی مذکور در صدر به استحضار عزیزان رسید پلیس می‌تواند مرتکبین در جرایم مشهود را جهت تکمیل تحقیقات تا ۲۴ ساعت تحت نظر نگه دارد این موضوع در ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ قید گردیده بود.

^۱مجموعه نشست های قضایی مسائل آیین دادرسی کیفری (۱)، ۱۳۸۴، ص ۲۶۳

مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با توجه به مشکلات و موانع ایجاد شده با اختصاص چندین ماده (مواد ۴۶ الی ۵۳) به این بحث پرداخته است و به نظر نگارنده سعی در تأمین هرچه بیشتر حقوق فرد تحت نظری بوده است.

به هر حال تحت نظر قرار دادن متهمین توسط ناجا در برخی از موارد مثل دستگیری در خارج از وقت اداری، موضوعی اجتناب‌ناپذیر است و همواره مطرح است لذا در ذیل برخی از واژه‌ها یا کلمات قانون مورد بررسی بیشتر قرار می‌گیرد.

اولاً: مقنن در قانون جدید و قانون مصوب ۱۳۷۸ از واژه تحت نظر استفاده کرده است، پس ضابطین حق استفاده از کلمه بازداشت راندارند.

ثانیاً: اجازه مقنن در هر دو قانون جهت تحت نظری تا ۲۴ ساعت است. واژه «تا» که در هر دو قانون مورد تصریح قرار گرفته است نشان از تأکید قانون‌گذار دارد به این معنی که ضابطین تا مدت تحقیق اجازه تحت نظر قرار دادن را دارند و این بازه زمانی می‌تواند تا ۲۴ ساعت باشد و متغیر است. لذا به محض پایان تحقیقات متهمان باید به دستگاه قضایی معرفی شوند.

ثالثاً علت تحت نظر قرار گرفتن متهم باید به وی ابلاغ شود.

موارد دیگری نیز در قانون وجود دارد که پیشنهاد می‌گردد مواد قانون مذکور به صورت دوره‌ای مورد مطالعه و آموزش قرار بگیرد تا از مشکلات و برخوردهای کیفری که در اثر نقض مقررات قانونی به صورت ناخواسته یا قانون‌گریزی عمدی، با مامورین، جلوگیری یا از تعداد آنها کاسته شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به مطالب صدر اشاره می‌توان نتیجه گرفت که دستگیری و توقیف متهمین و بزهکاران توسط مامورین پلیس امری اجتناب‌ناپذیر است اما ضابطین با اتکا به قانون و سرلوحه قرار دادن آموزش‌های فرا گرفته، سعی نمایند لحظه به لحظه رفتار حرفه‌ای خود را به سمت قانون‌گرایی و نظم اداری سوق دهد. عدم رعایت قانون به صورت غیر عمد یا قانون‌گریزی تعدمی از سوی مامورین در زمینه دستگیری و نگهداری افراد، ضمن تخریب چهره مردمی ناجا، ضمانت اجرای کیفری سختگیرانه‌ای را در پی دارد. لذا مامورین باید دقت لازم را در این رابطه لحاظ نمایند. امید است مقاله نگارش یافته بتواند سهم بسیار اندکی در قانون‌گرایی مامورین در این مبحث کاری داشته باشد.

فهرست منابع

- قران کریم.
- آخوندی، محمود (۱۳۷۴). آیین دادرسی کیفری، جلد ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- آشوری، محمد (۱۳۸۳). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- خالقی، علی (۱۳۸۹). آیین دادرسی کیفری، تهران: نشر شهر دانش.
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه، تهران: سیروس (۱۳۷۷)، ج ۳۲.
- قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری)
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- قانون آیین دادرسی کیفری، ۱۲۹۰
- مجموعه نشست‌های قضایی مسائل آیین دادرسی کیفری (۱)، ۱۳۸۴.
- معین، محمد (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر سرایش.
- مهابادی، علی اصغر (۱۳۸۹). ضابطین دادگستری در قوانین کیفری ایران، فصل‌نامه الهیات و حقوق، شماره ۶.